

ارزیابی پایداری اجتماعی در برنامه‌های توسعه ایران بر پایه چارچوب توسعه پایدار استراتژیک

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۹/۰۸

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۱/۰۶

کد مقاله: ۹۱۸۳۳

حمیده فرزانه^۱

چکیده

آرمان و هدف توسعه پایدار، خلق و ایجاد یک جهان بهتر است. این مفهوم که بر پایه تلاش‌هایی برای گذار از چالش‌ها و دستیابی به وضعیت مطلوب در مسیر توسعه ایجاد شده است، ابعاد ۳گانه‌ای از توسعه اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی را در بر می‌گیرد. با توصیف وضعیت موجود در ایران می‌توان بر وجود چالش‌های اساسی در خصوص جنبه‌های ۳گانه توسعه پایدار اذعان داشت. از این‌رو این مطالعه که با تأکید بر پایداری اجتماعی^۲ به انجام رسیده است با روش اسنادی و کتابخانه‌ای و با نمونه‌گیری هدفمند از طریق کنکاش در اعلامیه‌ها و اسناد بین‌المللی مرتبط با توسعه پایدار و نیز بهره‌گیری از «چارچوب توسعه پایدار استراتژیک»^۳ در پی آن است که مشخص کند، این چارچوب بر چه مفاهیمی در پایداری اجتماعی اشاره و تأکید دارد و چه محتوا و شیوه‌هایی را توصیه می‌کند؛ و با در نظر گرفتن قانون برنامه‌های پنج‌ساله پنجم و ششم توسعه ایران، به تحلیل و ارزیابی این مفاهیم در برنامه‌های توسعه ایران پرداخته است. تحلیل این برنامه‌ها بر پایه چارچوب توسعه پایدار استراتژیک نشان‌دهنده غفلت یا کاستی‌های برنامه در خصوص پایداری اجتماعی در سطوح پنج‌گانه چارچوب معرفی شده (سطوح سیستم، موفقیت، استراتژیک، کنش‌ها و ابزار) می‌باشد؛ و لذا بر لزوم تقویت شاخص‌های مرتبط با این مفاهیم از طریق توجه مضاعف بدان‌ها در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های آتی توسعه و یا ارائه استراتژی‌های بدیل در جهت دستیابی به اهداف توسعه پایدار، به ویژه در بعد اجتماعی، به لحاظ اهمیت و ضرورت در جامعه ایرانی، تأکید دارد.

واژگان کلیدی: توسعه پایدار، پایداری اجتماعی، چارچوب توسعه پایدار استراتژیک، برنامه‌های توسعه ایران

۱- کارشناس ارشد مطالعات فرهنگی از دانشگاه علامه طباطبایی و (Strategic Leadership towards Sustainability) از دانشگاه بلکینگه سوئد

2. Social Sustainability

3. Framework for Strategic Sustainable Development (FSSD)

۱- مقدمه

مفاهیم پایداری^۱ و «توسعه پایدار»^۲ بر پایه تلاش‌هایی برای گذار از چالش‌ها و دستیابی به وضعیت مطلوب در مسیر توسعه ایجاد شده است و ابعاد سه‌گانه‌ای از توسعه اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی را در بر می‌گیرد» (Colantonio, 2007, P. 3). بر پایه گزارش کمیسیون برتلند^۳ سازمان ملل متحد، توسعه پایدار «آن توسعه‌ای است که نیازهای نسل کنونی را تأمین کند بدون آنکه برآوردن نیازهای نسل آتی را به مخاطره اندازد» (WCED, 1987, P. 1).

تداوم وضعیت نامطلوب جهان به سبب تشدید بحران‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی و اذعان بر گره‌خوردگی و درهم‌تنیدگی تأثیرات متقابل کنش انسان‌ها بر یکدیگر و ضرورت چاره‌اندیشی در این خصوص، منجر به برگزاری اجلاس و تدوین اسناد و بیانیه‌های بین‌المللی همچون اعلامیه استکهلم^۴، اعلامیه ریو^۵، اهداف توسعه هزاره^۶ و اهداف توسعه پایدار^۷ و ظهور رویکردهای علمی و چارچوب‌های نظری متعددی گردید؛ تا از این طریق چشم‌انداز و خط‌مشی‌ای به ملت‌ها و دولت‌های جهان جهت همکاری‌ها و اقدامات مشترک در راستای بهبود وضعیت جهان و زندگی انسان‌ها با کاهش فقر و ناعدالتی اجتماعی و بهبود حقوق بشر و کرامت انسانی، ارتقاء بهداشت و سلامت همگانی، دستیابی به پایداری زیست‌محیطی، ترویج صلح و کاهش خشونت، گسترش مشارکت‌های عمومی و فراهم آوردن بسترهای مطلوب برای ایجاد نهادها و ساختارهای مؤثر ارائه دهد.

همانگونه که پیش‌تر نیز بدان اشاره شد، دستیابی به این اهداف در روابط انسان‌ها با یکدیگر (بعد اجتماعی)، با طبیعت و موجودات دیگر (بعد زیست‌محیطی) و امنیت و پایداری اقتصادی (جنبه اقتصادی) مدنظر می‌باشد. ولیکن، در این مجال با تأکید بر پایداری اجتماعی^۸، افزون بر استخراج و کنکاش در اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها و اسناد بین‌المللی مرتبط با توسعه پایدار تا مشخص شود که این اسناد بر چه مفاهیمی تأکید می‌کنند و چه محتوا و شیوه‌هایی را توصیه می‌کنند؛ با بهره‌گیری از «چارچوب توسعه پایدار استراتژیک»^۹ در پی معرفی و شناسایی این مفاهیم و سپس توجه بدان‌ها در برنامه‌های توسعه پنجم و ششم ایران است تا این طریق بتوان با شناخت چالش‌ها و فرصت‌های موجود در جامعه، تقویت شاخص‌های مرتبط با این مفاهیم را از طریق توجه مضاعف بدان‌ها در نقطه محوری سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های توسعه و نگاه همزمان و متوازن به ابعاد توسعه پایدار با هدف ارتقای فرایندهای توسعه و نگرش استراتژیک و جامع به برنامه‌ها و طرح‌های توسعه پایدار به منظور پیش‌روی و حرکت در مسیر توسعه پایدار قرار داد. ضرورت و اهمیتی که در جوامع در حال توسعه‌ای همچون ایران دوچندان است.

۲- سوالات تحقیق

- پایداری اجتماعی در برنامه‌های توسعه بر پایه چارچوب توسعه پایدار استراتژیک چگونه تعریف می‌شود؟ چه مؤلفه‌هایی را در برمی‌گیرد و بر چه مفاهیمی تأکید می‌کند؟
- با تأکید بر چه مفاهیمی می‌توان بسترهای لازم را برای حرکت در مسیر پایداری و ایجاد ظرفیت‌ها و فرصت‌های بهتر در تحقق اهداف پایداری اجتماعی فراهم کرد؟
- با در نظر گرفتن برنامه‌های توسعه، ایران با چه چالش‌هایی در مسیر پایداری و تحقق اهداف توسعه پایدار، به ویژه پایداری اجتماعی، مواجه است؟
- کم‌توجهی به یکی از ابعاد توسعه پایدار، به طور خاص پایداری اجتماعی، چه چالش‌ها و تهدیدهایی را در اختیار جامعه ایرانی قرار می‌دهد؟

۳- روش تحقیق

در این مطالعه به منظور پاسخ‌دهی به پرسش‌های مطرح شده فوق، در گام اول، منشورها و اسناد بین‌المللی مرتبط با توسعه پایدار مورد کنکاش قرار گرفته است تا از این طریق بتوان اصلی‌ترین مفاهیم را شناسایی و سپس دسته‌بندی کرد. به طور موازی، مفاهیم پایداری اجتماعی بر پایه چارچوب نظری توسعه پایدار استراتژیک نیز مورد مذاقه قرار گرفته است.

روش جمع‌آوری اطلاعات، روش اسنادی و کتابخانه‌ای و با نمونه‌گیری هدفمند بوده است، بدان معنا که نمونه‌هایی انتخاب شده‌اند که از اهمیت و توافق بیشتری در عرصه بین‌المللی برخوردار بوده‌اند که عبارتند از: بیانیه اجلاس استکهلم، اعلامیه ریو،

1. Sustainability
2. Sustainable Development
3. The Brundtland Report (Our Common Future)
4. Stockholm Declaration
5. Rio Declaration on Environment and Development
6. Millennium Development Goals (MDGs)
7. Sustainable Development Goals (SDGs)
8. Social Sustainability
9. Framework for Strategic Sustainable Development (FSSD)

اهداف توسعه هزاره و اهداف توسعه پایدار. ولیکن تأکید اصلی، بهره‌گیری از چارچوب توسعه پایدار استراتژیک با هدف بررسی و ارزیابی این مفاهیم در قانون برنامه‌های پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰) و ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰-۱۳۹۶) بوده است.

۴- چارچوب توسعه پایدار استراتژیک

برای دستیابی به نگرش استراتژیک، ساختارمند و جامع در برنامه‌ریزی‌های بر پایه توسعه پایدار، الگوها و چارچوب‌های نظری متفاوتی ارائه شده است تا از طریق به کارگیری آن، جامعه را در دستیابی به هدف مطلوب که همانا دستیابی به جامعه پایدار در تمامی ابعاد ۳گانه اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی است، یاری رساند.

به بیانی، دستیابی به هدف - که همانا جامعه پایدار است - و پیمودن این مسیر، افزون بر بینش و تعهد افراد نسبت به آینده پایدار، نیازمند رویکردی علمی، ساختارمند و استراتژیک در مدیریت گذار از چالش‌های پیش‌روی توسعه پایدار و اجتناب از فاجعه‌های بزرگ است (Egmond, 2011) و یکی از این رویکردهای علمی و یکی از مهم‌ترین و کارآترین چارچوب‌های نظری مطرح شده، چارچوب توسعه پایدار استراتژیک است که از سوی کارل هانریک روبرت ایجاد شده است. این چارچوب، امکان نظری و عملی با رویکردی کل‌نگر و ساختارمند در رویارویی با چالش‌های توسعه را فراهم می‌آورد (Robèrt, 2010, P. 16) و به چگونگی فرایندهای دستیابی به توسعه پایدار در جوامع و سازمان‌ها می‌پردازد.

مدل ۵سطحی^۲: در چارچوب توسعه پایدار استراتژیک برای برنامه‌ریزی و دسته‌بندی در سیستم‌های دشوار و کمک به تحلیل مشکلات و حل مسائل پیچیده طراحی شده است. اطلاعات موردنیاز دارای اهمیت برای برنامه‌ریزی در این ۵ سطح دسته‌بندی می‌شوند.

سطح سیستم‌ها^۳: در این سطح، یک تصویر بزرگ و دید کلی‌ای از نحوه درگیر شدن در برنامه‌ریزی کارکردها و نیز اهداف، ارزش‌ها و تعاملات با جامعه و زیست‌کره ارائه می‌شود (مرتبط بودن با اهداف کلی مورد نظر).

سطح موفقیت^۴: این سطح به موفقیت و دستیابی به اهداف موردنظر اشاره می‌کند. موفقیت به عنوان توقف کنش‌های غیرپایداری تعریف می‌شود که سیستم زیست‌محیطی - اجتماعی را تهدید می‌کند که بر پایه اصول توسعه پایدار بنا شده‌اند. این اصول در ۴ اصل اساسی جای گرفته‌اند که جامعه انجام آنها را باید متوقف کند تا از نظام زیست‌محیطی-اجتماعی حفاظت شود. این اصول ۴گانه عبارتند از:

«در یک جامعه پایدار، طبیعت ابراز نیست که به طور سیستماتیک افزایش یابد برای ...»

۱. ... غلظت/ تراکم مواد استخراج شده از پوسته زمین؛ (مانند افزایش غلظت سوخت CO₂ در اتمسفر یا افزایش تراکم کادمیوم^۵ از پوسته زمین در زمین‌های کشاورزی).

۲. ... غلظت مواد تولید شده از سوی جامعه؛ (سمومی نظیر DDT، PCBs و مواد آسیب‌رساننده به لایه ازن، پلاستیک).

۳. ... کاهش وسیله‌های فیزیکی؛ (مانند جنگل‌زدایی، صید بی‌رویه، فرسایش خاک در نتیجه استفاده زیاد از زمین) (Holmberg, et al, 1996).

و در آن جامعه ...

۴. مردم ابزار نیستند در خصوص شرایطی که به طور سیستماتیک، ظرفیت آنان را برای تأمین نیازهای‌شان تضعیف می‌کند» (Ny, et al, 2006). (مانند کاهش اعتماد اجتماعی و بین فردی، تضعیف انسجام اجتماعی و غیره).

سطح استراتژیک/ راهبرد^۶: اصول استراتژیک برای انتخاب کنش‌ها در مسیر دستیابی به هدف با در نظر گرفتن پرسش پس‌نگر^۷ (چه چیزی نیاز است تا در حال حاضر انجام شود تا به هدف موردنظر دست یافت)؛ و نیز پرسش‌های ۳گانه اولویت‌دهی

1. Karl-Henrik Robèrt
2. The Five Level Framework (5LF)
3. Systems Level
4. Success Level
5. Cadmium
6. Strategic Level

۷. یکی از تکنیک‌های مورد استفاده در فرایند برنامه‌ریزی استراتژیک، رویکرد آینده‌نگر (Forecasting) است که با توجه به روندها و شرایط موجود، آینده را پیش‌بینی می‌کند و بر این پایه به برنامه‌ریزی و ارائه طرح می‌پردازد. از این‌رو، آینده آن گونه‌ای تصور می‌شود که شرایط موجود نشان داده‌اند لیکن با در نظر گرفتن اینکه آینده مطلوب، مشخص و معین است پرسشی کلیدی مطرح می‌شود که در حال حاضر افراد برای رسیدن به این آینده مطلوب چه باید انجام دهند. تکنیکی که می‌تواند به این پرسش پاسخ دهد، رویکرد پس‌نگر (Backcasting) است که بر پایه آن، برنامه‌ریزان می‌توانند به ساختن دیدی از موفقیت - به عنوان جنبه اساسی این چشم‌انداز- بپردازند و به آن مواردی پاسخ دهند که اکنون مورد نیاز است. این دو چشم‌انداز می‌توانند با یکدیگر ادغام شوند و این امر، اجازه پردازش اطلاعات در شرایط گوناگون و گسترش کنش‌های پیچیده و واقعی (کانکریت) را فراهم می‌کند. «رویکرد پس‌نگر از سناریوها» به عنوان یک روش برنامه‌ریزی تلقی می‌شود که با توجه به تصاویر ساده‌شده‌ای از آینده از سوی برنامه‌ریزان و برنامه‌نویسان ایجاد می‌شود لیکن با توجه به سوگیری، قضاوت و عدم توافق کافی به سوی رویکرد پس‌نگر از اصول اساسی تمایل می‌یابد. این اصول اساسی موفقیت (ساکسس) را تعریف می‌کنند.

انجام می‌گیرد. در این طرح، هر جامعه/ سازمان کنش‌های ویژه‌ای را بر می‌گزیند تا جامعه/ سازمان را به سوی توسعه پایدار سوق دهد.

سه پرسش اساسی اولویت‌دهی به کنش‌ها که در فرایند برنامه‌ریزی باید لحاظ شود، عبارتند از:

- آیا کنش اقدام شده در مسیر مستقیم و در رابطه با اصول توسعه پایدار است؟
- آیا این کنش یک پایه و بنیاد منعطف را برای پیشرفت و ترقی آینده فراهم می‌آورد؟ (در اجتناب از پایانی راكد و خموش)

- آیا این کنش، به بازگشت سرمایه کافی در فرایند تسریع بخشیدن‌های آتی منجر خواهد شد؟

سطح کنش‌ها:^۱ این سطح به تمامی کنش‌های مورد نیاز و گام‌های عملی در مسیر اهداف تعریف شده و در تطابق با اصول استراتژیک برای رسیدن به موفقیت اشاره می‌کند که به سوی توسعه پایدار گام برمی‌دارند. ایجاد یک کمپین آموزشی متمرکز بر توسعه پایدار برای کارکنان سازمان؛ یا خرید کاغذ و دیگر محصولات موردنیاز از ارگان‌های دارای گواهینامه مدیریت حفاظت از جنگل‌ها، نمونه‌هایی از کنش‌های عملی یک سازمان به شمار می‌روند.

سطح ابزار:^۲ این سطح به ابزارهایی برای کمک و یاری در جهت دستیابی به هدف اشاره دارد. در این چارچوب از پروسه ای.بی.بی.سی.دی ABCD برای اجرایی کردن اهداف مذکور بهره گرفته می‌شود. فرایند استراتژیک (ABCD) برای پیاده‌کردن و به‌کارگیری چارچوب توسعه پایدار استراتژیک در جهان واقعی و سازمان‌ها طراحی شده است. این فرایند ۴ مرحله‌ای به عنوان ابزاری برای تحلیل، ایجاد دید مشترک، طراحی و رهبری برنامه‌ها و ایجاد اجتماعات به کار می‌رود. این ۴ گام عبارتند از:

گام اول: ساختن یک درک و دید مشترک:^۳ اولین بخش این گام شامل ساختن یک مدل ذهنی مشترک بر پایه چارچوب توسعه پایدار استراتژیک خواهد بود. این شامل درک کلی از سیستم زیست‌محیطی - اجتماعی، چالش‌های توسعه پایدار، مدل کیف توسعه پایدار و مفاهیم رویکرد پس‌نگر از اصول اساسی و پرسش‌های اولویت‌دهی می‌شود. بخش دوم، شامل ساختن یک دید از اجتماع/ سازمان در یک جامعه پایدار بر طبق اصول ۴گانه توسعه پایدار است. این دید به این پرسش پاسخ می‌دهد که ما به عنوان یک اجتماع/ سازمان چه می‌خواهیم ایجاد کنیم.

گام دوم: ارزیابی واقعیت موجود:^۴ در این گام، ارزیابی پایه از فعالیت‌های جاری اجتماع/ سازمان مدنظر است و این فعالیت‌ها از زاویه اصول ۴گانه توسعه پایدار تحلیل و کنکاش می‌شوند. تخطی از این اصول و فعالیت‌هایی که اجتماع/ سازمان در راستای این اصول (از طریق ارائه محصولات و خدمات) انجام می‌دهد، از موارد اصلی مورد توجه در این مرحله است. نمونه پرسش‌هایی که بر اساس اصول ۴گانه می‌تواند به تیم در یافتن نقاط ضعف سازمان کمک کند، عبارتند از:

اصل اول: آیا سازمان به سوخت‌های فسیلی وابسته است؟ آیا مواد معدنی مورد استفاده در طبیعت کمیاب هستند؟ اگر بلی، آنها چگونه با تکنولوژی‌های مفید از آن حفاظت می‌کنند؟ و مواردی از این قبیل.

اصل دوم: آیا سازمان از مواد شیمیایی بهره می‌گیرد که با طبیعت بیگانه اما ماندگار در طبیعت هستند؟ آیا چنین موادی در چرخه حیات قرار می‌گیرند یا در زیست‌کره منتشر می‌شوند؟ و مواردی از این دست.

اصل سوم: آیا سازمان فعالیت‌ها و اعمالی را انجام می‌دهد که با سوءمدیریت در بخش‌های مولد زیست‌کره همراه است؟ آیا سازمان به رهاسازی زباله‌های انبوه بدون تجدید و بازگرداندن به چرخه مبادرت می‌کند؟ و نظایر اینها.

اصل چهارم: آیا سازمان به لحاظ اقتصادی وابسته به استفاده زیاد از منابع در پیوند با نیازها و ارزش‌های انسانی است؟ آیا هزینه‌های اجتماعی این زنجیره ارزشی دربرگیرنده تأمین‌کننده‌هایی از کشورهای در حال توسعه نیز می‌شود؟ آیا سازمان می‌تواند مواردی از نقض یا سوءاستفاده از قدرت - اقتصادی، سیاسی و غیره - در طی این چرخه زنجیره ارزشی ذکر کند.

گام سوم: طوفان فکری و ایده‌های خلاقانه:^۵ در این مرحله، با در نظر گرفتن شکاف میان دید ایجاد شده در گام اول و واقعیت موجود در گام دوم، به فهرست بلندی از کنش‌ها و سرمایه‌گذاری‌های احتمالی اشاره می‌شود که به کاهش این شکاف و فاصله یاری می‌رساند تا جامعه/ سازمان را از وضعیت غیرپایدار به سوی یک جامعه/ سازمان پایدار سوق دهد. این کنش‌ها و اعمال می‌توانند در پیوستاری از خرد - کلان، ساده - پیچیده (از لحاظ اجرایی شدن) یا در بازده زمانی کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت، محرک برای عمل‌های بعدی در آینده و غیره قرار گیرند. نکته دارای اهمیت در این گام این است که هیچ محدودیتی در خلق این ایده‌ها و اعمال وجود ندارد، حتی اگر به لحاظ منطقی (زمانی، بودجه، کلان بودن و غیره) غیرعملی به نظر برسند.

1. Action Level

2. Tools Level

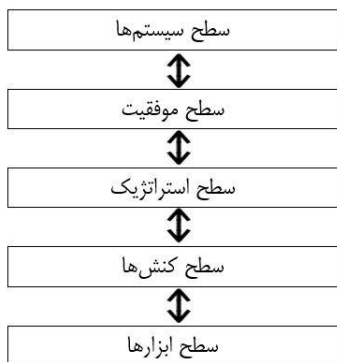
3. A-Step: Awareness/ Building a Shared Understanding and Vision

4. B-Step: Baseline Assessment/ Assessing the Current Reality

5. C-Step: Creative Possible Actions/Brainstorming possible Actions

گام چهارم: اولویت‌دهی به کنش‌ها: ۱ در این گام، کنش‌های محتمل ایجادشده در گام سوم تحلیل و اولویت‌بندی می‌شوند. این با بهره‌گیری از سه پرسش اولویت‌دهی انجام می‌شود که در سطح استراتژیک چارچوب توسعه پایدار استراتژیک بدان پرداخته شد.

- آیا این کنش در مسیر مستقیمی هدایت می‌شود؟
- آیا به عنوان پایه منعطفی برای پیشرفت‌های آتی تلقی می‌شود؟
- آیا به بازگشت سرمایه کافی منجر خواهد شد؟



شکل ۱: چارچوب توسعه پایدار استراتژیک

جامعه/سازمان می‌تواند با انتخاب کنش‌هایی که نمره مناسبی را در این سوالات کسب کرده‌اند، بر این منابع و سرمایه‌گذاری‌ها متمرکز شود تا در مسیر توسعه پایدار برای یک آینده پایدار گام بردارد. همچنین، این باید در تطابق با اصول ۴گانه توسعه پایدار باشد تا بر استراتژیک بودن کنش، مهر تأیید نهایی را بزند. از دیگر مواردی که می‌تواند در دسته‌بندی و معیار اولویت‌دهی‌ها و ارزیابی اینکه این مسئله تا چه حد جدی است، مفید باشند عبارتند از تأثیرات اجتماعی/ زیست‌محیطی بیشتر و عمیق‌تر؛ سهم نسبی سازمان در این مشکل؛ ضرورت و فوریت احتمال وقوع آن در آینده، توافق عمومی و نیز مؤثر بودن راه‌حل‌های محتمل (امکان تکنولوژیکی و اقتصادی).

۵- پایداری اجتماعی در چارچوب توسعه پایدار استراتژیک

۵-۱- سطح سیستم: سیستم اجتماعی: ۲

زمانیکه از پایداری اجتماعی سخن به میان می‌آید، تأکید بر جنبه دیگری از جامعه [افزون بر جنبه فیزیکی و تأثیرات آن بر کره زمین نظیر کارخانه، خانه، آلودگی و تخریب فیزیکی است]؛ و آن اشاره به سیستم اجتماعی دارد که در زمینه روابط بین فردی، هم میان افراد با یکدیگر و نیز میان مردم و نهادهایشان می‌باشد. بسیاری از مردم جهان هنوز در فقر، نقض یا سوءاستفاده از حقوق انسانی، فساد، بهره‌کشی، تبعیض و فقدان دسترسی به آموزش به سر می‌برند. در برخی از جوامع، این مسائل فقط وقایعی فردی نیستند، بلکه به این مرتب‌اند که جوامع چگونه عمل می‌کنند. باید در نظر داشت که به رغم آنکه مطالعه روان‌شناسانه رفتار افراد جامعه ضروری است اما کافی نمی‌باشد، چراکه سیستم اجتماعی فراتر از کنش‌های فردی می‌باشد. ارتباط میان افراد و شیوه‌ای که آنها خودشان را در قالب گروه‌های غیررسمی، سازمان‌ها، نهادها و جامعه در شکل بزرگ‌تر درک می‌کنند، دارای اهمیت می‌باشد. انسان‌ها گونه‌ای اجتماعی هستند که گروه‌ها را شکل می‌دهند تا نیازهای فردی و جمعی آنان را برآورده سازند. مفهومی اساسی در سیستم اجتماعی، سرمایه اجتماعی است؛ و ویژگی مشترک میان تعاریف پوتنام،^۲ کلمن^۳ و فوکویاما،^۴ در جایگاه صاحب‌نظران این مفهوم، اعتماد میان افراد با یکدیگر، و اعتماد میان مردم و مؤسسات عمومی و نهادهای دولتی نظیر دادگاه‌ها، مدارس، حکومت‌ها و بیمارستان‌هاست.

در اقتصاد، اعتماد روان‌کننده و روان‌ساز در نظر گرفته می‌شود و در جامعه‌شناسی یکی از مهم‌ترین فاکتورها در روابط بین افراد در گروه‌ها و حتی تعاملات فردی و جامعه به شمار می‌رود. اعتماد اجتماعی بالا همچنین با ثبات دموکراسی، سطح پایین از فساد و برابری نسبی اقتصادی همبسته است. از این رو، فقدان اعتماد اجتماعی می‌تواند منجر به بروز مشکلات اجتماعی جدی شود. روش‌تین^۶ از تله اجتماعی^۷ سخن می‌گوید که به عنوان یک مسئله در پایداری اجتماعی در نظر گرفته می‌شود. بدان معنا که نداشتن اعتماد یا سوءاعتماد، بی‌اعتمادی بیشتری را ایجاد می‌کند و این وضعیت همانند یک چرخه معیوب درون جامعه به طور مارپیچی حرکت می‌کند.

نیازهای انسانی^۸ با در نظر گرفتن اهمیت سرمایه اجتماعی و اعتماد در یک جامعه با کارکرد مطلوب، این پرسش مطرح می‌شود که چگونه سازمان‌ها و افراد می‌توانند بر این جنبه‌ها اثر گذارند و آن را متأثر کنند؟ از مواردی که می‌تواند کالبد جامعه را تضعیف کند، در ارتباط با نیازهای انسانی است. نیازهای انسانی، نیازها و احتیاجات ذاتی هستند که ضروری است تا برای مردم

1. D-Step: Decide on Priorities /Actions Prioritization
2. System Level: The Social System
3. Putnam
4. Colman
5. Fukuyama
6. Bo Rothstein
7. social trap
8. Human Needs

برآورده شوند تا آنها به لحاظ جسمانی، روانی و اجتماعی سلامت بمانند. یک مثال خوب از تعریف نیازهای اساسی از سوی اقتصاددان اهل شیلی به نام مانفرد مکس-نیف^۱ ارائه شده است. مقوله‌های ۹گانه نیازهای اساسی مکس-نیف عبارتند از: امرار معاش؛^۲ حمایت؛^۳ مشارکت؛^۴ آسایش / بطالت؛^۵ خلاقیت؛^۶ محبت؛^۷ درک / فهم؛^۸ هویت^۹ و آزادی.^{۱۰}

این نیازها برای همه افراد حیاتی است و در حقیقت به یکدیگر وابسته هستند. دسته‌بندی مکس-نیف برای استفاده در این چارچوب به این دلایل انتخاب شده‌اند که مهم‌ترین نیازهای انسانی را دربرمی‌گیرند؛ مجموعه‌ای از معیارها (نظیر سازماندهی‌شده، عدم همپوشانی، مکمل و نه قابل جایگزینی با یکدیگر، و سرشتی در طول تاریخ) را برای تعریف نیازهای انسانی در زمینه پایداری را فراهم می‌آورند؛ و نیز آنکه این نیازها برای کیفیت زندگی همه انسان‌ها ضروری هستند. به بیان مکس-نیف، کاستی و موجودی کم در یکی از این نیازهای انسانی منجر به «فقر» می‌شود فارغ از اینکه موجودی بانک ایشان به چه میزان می‌باشد.

۵-۲- سطح موفقیت: پایداری اجتماعی

باید در نظر داشت این سیستم اجتماعی است که افراد را به یکدیگر متصل می‌کند و به آنان در برآوردن نیازها و خواسته‌هایشان یاری می‌رساند. هر چند علیرغم این واقعیت که تمرکز پایداری اجتماعی بر حفظ کالبد اجتماعی است و نه نیازهای فردی، ولیکن اگر مردم دریابند که ممانعت از برآوردن نیازهایشان به سبب شرایطی است که «درون» سیستم اجتماعی ایجاد شده است، این منجر به فرسایش اعتماد و سرمایه اجتماعی خواهد شد. همانگونه که در بالا نیز بدان اشاره شد، اعتماد بین افراد و بین مردم و نهادهای عمومی است که سیستم اجتماعی را همچون چسبی به یکدیگر می‌چسباند. از این‌رو، اصل چهارم به سادگی یک جامعه پایدار را به لحاظ اجتماعی توصیف می‌کند، از آن حیث که به توانایی افراد برای تأمین نیازهای اساسی انسانی و با هدف غایی از پایدار نگه‌داشتن اعتماد و سرمایه اجتماعی درون جامعه اشاره دارد.

پرسش‌هایی که یک سازمان / جامعه می‌تواند مطرح کند تا از این طریق ارزیابی پایه‌ای برای پایداری اجتماعی ایجاد کند عبارتند از:

- تا چه اندازه مردم تحت کنترل یا در معرض کار یا محیط پرمخاطره در سازمان / یا اجتماع ما هستند؟
- آیا عملکرد ما متکی به ایجاد شرایط اقتصادی است که مردم را از برآوردن نیازهایشان باز می‌دارد و یا به تأخیر می‌اندازد؟ [مواردی همچون شرایط کاری خطرناک، کار کودکان و قراردادهای تجاری یک‌طرفه]
- مردم و سازمان‌هایی که به وسیله کار و عملکرد ما، به توانایی آنها در برآوردن نیازهای خود صدمه می‌زند و یا آنها را تضعیف می‌کند، چه کسانی هستند؟ [آنها می‌توانند مشتریان، کارمندان، فروشنده‌گان، تولیدکنندگان و دولت‌ها و جامعه در سطح وسیع باشند].

ذکر این نکته ضروری است که باید میان پایداری اجتماعی از پروژه‌های اجتماعی که جوامع یا سازمان‌ها به کار می‌گیرند، نظیر بزرگداشت رویدادهای فرهنگی یا حمایت از باشگاه‌های ورزشی تمایز قائل شد. گام‌های کوچک و مثبتی که سازمان‌ها در آنها درگیر می‌شوند و به طور فزاینده‌ای بدان‌ها می‌پردازد، اگرچه دارای اهمیت می‌باشند و باید ادامه یابند اما در جهت مهار عناصری نیستند که به لحاظ سیستماتیک سیستم را مورد فرسایش قرار می‌دهند؛ و شاید بتوانند به طرق غیرمستقیم بر بخش‌های دیگر جهان تأثیر گذارند.

۵-۳- سطح استراتژیک: دستورالعمل یا راهبردی برای پایداری اجتماعی

به رویکرد پس‌نگر و ۳ سوال اولویت‌دهی در بخش معرفی نظریه اشاره شد. یک دستورالعمل تکمیلی و بیشتر که در خصوص پایداری اجتماعی عمل می‌کند، «قاعده طلایی»^{۱۱} است. قاعده طلایی که در سنت‌های یهودی و بودایی [و البته اسلام] بدان اشاره اشاره شده است عبارتست از اینکه: «شما نباید آنچه‌ای را نسبت به دیگران انجام دهید که دوست ندارید دیگران نسبت به شما انجام دهند»^{۱۲}. این قاعده ساده بر پایه بسیاری از اصول اخلاقی قرار دارد^۱ و بر بنیاد «همدلی»^۲ ساخته شده است -توانایی ذاتی

1. Manfred Max Neef
2. Subsistence
3. Protection
4. Participation
5. Idleness
6. Creativity
7. Affection
8. Understanding
9. Identity
10. Freedom
11. Golden Rule

۱۲. «آنچه برای خود می‌پسندی برای دیگران نیز بپسند و آنچه برای خود نمی‌پسندی را برای دیگران نیز نپسند» (امام علی (ع))

انسان‌ها تا خویش را در موقعیت دیگران قرار دهند و بنابراین، می‌توان بی‌درنگ به عنوان یک روش بدون آموزش قبلی به کار گرفته شود. اگر ما نخواهیم دیگران چیزی را در قبال ما انجام دهند، پس باید به طور جدی این پرسش مطرح شود که آیا کنش‌های ما، قواعد پایداری اجتماعی را نقض و از آن تخطی می‌کند؟

اگر همه انسان‌ها توانایی همدلانه عمل کردن را دارند، چرا آن را در همه شرایط به طور خودکار به کار نمی‌گیرند؟ ممکن است این توانایی زمانی عمل کند که مردم همدیگر را رودررو ملاقات می‌کنند. برای مثال در گروه‌های کوچک نظیر خانواده، دوستان و شاید در روستا. از این‌رو، استفاده مؤثر از توانایی همدلانه در سطح جهانی مورد چالش می‌باشد و این در حالی است که یک تصمیم فردی بر افرادی تأثیر می‌گذارد که هرگز آنها را ملاقات نکرده است. لذا ضروری است تا پرسیده شود که قاعده طلایی برای یک سازمان چه معنایی می‌دهد؟! در این خصوص به ۵ فرایند اشاره شده است که عبارتند از: همکاری^۳ (رفع نیازهای دو طرف در یک شیوه منفعت‌طلبانه متقابل)؛ درگیر شدن^۴ (بخشی از کنش یا عملی بودن)؛ جامعیت^۵ (اطمینان از اینکه نیازهای دیگران شناخته شده و بدان احترام گذاشته می‌شود)؛ گستردگی^۶ (در پایداری اجتماعی، باز بودن نسبت به تغییرات در فرایندها برای بهتر برآورده کردن نیازهای اعضا و رفع موانع برای برآوردن نیازها معنا می‌دهد)؛ و شفافیت^۷ (به ارتباطات و جوابگویی سازمان‌ها و جوامع اشاره دارد). هر فردی نیز می‌تواند پرسش‌های ذیل را از خودش بپرسد که بر پایه قاعده طلایی مطرح شده‌اند. هرچند که از دیدگاه پایداری اجتماعی این کفایت نمی‌کند و باید در سطح سازمانی پرسیده شود.

- مشارکت^۸: آیا این تصمیم بر اساس مشارکت و گفتگوی کافی با همه گروه‌های متأثر بوده است؟ (آیا این میزان مشارکت، اگر من موضوع و فاعل آن بودم، برای من پذیرفتنی بود؟)
 - شفافیت: آیا این تصمیم در شیوه‌ای برنامه‌ریزی شده که مردم را قادر سازد تا به اطلاعات دسترسی یابند و از هر جهت بر فرایند نظارت داشته باشند؟ (آیا این میزان شفافیت برای من پذیرفتنی است؟)
 - مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی^۹: آیا مسئولیت به طور واضحی برای همه افرادی که در فرایند برنامه‌ریزی مشارکت دارند، بیان شده است و حتی برای آنهایی که به طور غیرمستقیم از نتایج آن متأثر می‌شوند؟ (آیا این میزان از شفافیت بر حسب مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی برای هر یک از ما پذیرفتنی می‌باشد؟)
 - صداقت/ درستی^{۱۰}: اگر افراد درگیر به طور ناگهانی و به طور دقیق به آنچه محرک تصمیمشان بوده، پی ببرند، آیا شرمسار خواهند بود یا شآن و کرامتشان حفظ شده است؟
- به طور خلاصه، دلالت‌های استراتژیک برای هر سازمان یا جامعه‌ای برای حرکت در مسیر پایداری اجتماعی وابسته به پرسش ذیل است:
- آیا رفتار سازمان/ جامعه، پیامدهایی را در اکنون و در آینده دارد که توانایی‌ها و فرصت‌های مردم را در خصوص هدایت برای یک زندگی تأمین‌شده محدود کند و یا در تنگنا قرار دهد؟ (Robèrt, et al, 2010).

۶- بحث

در این بخش به دو مبحث متفاوت اشاره می‌شود. در ابتدا به مهم‌ترین محتوای اشاره شده پایداری اجتماعی در اسناد بین‌المللی در خصوص توسعه پایدار اشاره می‌شود؛ و در بخش دیگر به برنامه‌های توسعه پنجم و ششم ایران در چارچوب توسعه پایدار اجتماعی پرداخته خواهد شد.

۶-۱- تحلیل و مقایسه مهم‌ترین مؤلفه‌های اسناد و اعلامیه‌های بین‌المللی

حکایت این اسناد معرفی شده در راستای مفهوم توسعه پایدار، حکایت از همان داستان معروف کشتی و سوراخ شدن جایگاه خود دارد که اگر بدان بی‌اعتنایی شود و ترمیم نگردد، همه مسافران این کشتی (کره زمین) غرق خواهند شد. اجرایی کردن اهداف جامع در این اسناد به ملت‌ها و دولت‌های جهان باری می‌رساند تا در مسیر جامعه‌ای توسعه یافته که آرمان و هدف غایی بسیاری از جوامع است، حرکت نمایند؛ و با دستیابی به اهداف آن، جهان را جای بهتری برای زندگی سازند.

۱. بشنو از من سخنی حق پدر فرزندی // گر به رای من و اندیشه من خرسندی // چيست دانی سر دینداری و دانشمندی // آن روا دار که گر بر تو رود بیسندی (سعدی / کتاب موعظ / قطعه ۱۹۷)

2. Empathy
3. Cooperation
4. Involvement
5. Inclusiveness
6. Openness
7. Transparency
8. Participation
9. Responsibility & Accountability
10. Honesty

در حالی که ۲ سند اولیه به لحاظ زمانی (بیانیه استکهلم ۱۹۷۲) و اعلامیه ریو (۱۹۹۲)) بیشتر بر موضوعات زیست‌محیطی توجه داشته‌اند و محوریت بر پایداری زیست‌محیطی بوده است، در اسناد اخیر (اسناد توسعه هزاره ۲۰۰۰) و به ویژه اهداف توسعه پایدار (۲۰۱۵)، ابعاد ۳گانه توسعه پایدار و به ویژه پایداری اجتماعی مدنظر قرار گرفته است. «فرایند ورود مفهوم پایداری اجتماعی در برنامه‌های توسعه ایران تقریباً همزمان و همگام با توسعه بین‌المللی این مفهوم بوده است و به مرور سهم عوامل اجتماعی در برنامه‌های توسعه برجسته‌تر شد» (واعظزاده و همکاران، ۱۳۹۴، ص. ۵۷).

در مقایسه اهداف مندرج در اسناد توسعه پایدار و اهداف هزاره و همانگونه که در مطالعات پیشین نیز بدان اشاره شده است: «کشور ایران در بیشتر شاخص‌های اهداف هزاره رشد خوبی را تجربه کرده است» (کاظمی‌آذر و سلطان‌زاده، ۱۳۹۷، ص. ۴۹)؛ و «در مقایسه با کشورهای جهان از نظر شاخص‌های مرتبط با جمعیت و سلامت توسعه پایدار وضعیتی بهتر از میانگین جهانی داشته و مابین کشورهای پردرآمد و کشورهای با درآمد متوسط به بالا قرار گرفته است. همچنین در برخی شاخص‌ها همانند پوشش واکسیناسیون، ابتلا به دیابت و مرگ و میر ناشی از سوانح و حوادث بیشترین مقدار شاخص و مواردی همچون ابتلا به ایدز کمترین میزان را در جهان دارد» (رفیعی و همکاران، ۱۳۹۸، ص. ۲۶۵). به بیانی دیگر، ایران اگرچه در تحقق اهداف هزاره به ویژه کاهش مرگ و میر کودکان و بهبود سلامت مادران (بخش بهداشت و نظام سلامت) و دستیابی همگانی به آموزش ابتدایی موفق بوده است ولیکن در شاخص‌های «کیفیت هوا، بیکاری، افزایش تورم و سایر آسیب‌های اجتماعی روندی به بدتر شدن داشته است» (سلطانی‌پور و دمازی، ۱۳۹۵، ص. ۱)؛ و با چالش‌هایی اساسی در حوزه‌های مرتبط با اهداف توسعه پایدار نظیر محیط زیست، رفاه و بهزیستی همگانی و کاهش فقر و عدالت اجتماعی و نظایر اینها روبرو می‌باشد.

در ادامه، مقوله‌ها و مفاهیم پایداری اجتماعی به کار رفته در این اسناد مرور خواهند شد که به ویژه در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها باید بدان‌ها توجه دوچندانی داشت. این مفاهیم، عصاره‌ای از ارزش‌های جهانشمول و آرزوهای بشری به شمار می‌روند که در نهایت، درصدد تأمین نیازهای فردی و بهبود و توسعه زندگی اجتماعی است. ذکر این نکته بار دیگر ضروری است که در بسیاری موارد، همپوشانی ابعاد ۳گانه اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی غیرقابل اجتناب و غیرقابل تفکیک است و تکمیل‌کننده یکدیگر می‌باشند.

بهبود حقوق بشر و کرامت انسانی: اصل اول بیانیه استکهلم به حقوق انسان اشاره کرده است؛^۱ و اصل یکم اعلامیه ریو به درستی بدین اشاره دارد که انسان در کانون اهداف توسعه پایدار قرار دارد.^۲ این اسناد که در این خصوص متأثر از اعلامیه جهانی حقوق بشر^۳ می‌باشند بر ارزش نهادن به شأن و کرامت انسانی و بهبود وضعیت زندگی یکایک انسان‌ها توجه ویژه‌ای نشان می‌دهند تا از این طریق بتوان به ارتقای توسعه اجتماعی و تحقق اهداف توسعه پایدار یاری رساند؛ و در تلاش است تا چارچوبی برای تعاملات اجتماعی در درون و بین جوامع بر پایه شأن و کرامت انسانی، بشردوستی، همدلی، مدارا و صلح و آشتی انسان‌ها با یکدیگر ایجاد کند تا از این طریق بتوان تنش‌های احتمالی و تضادهای بالقوه را کاهش داد و به تحقق جهانی عاری از فقر و خشونت نزدیک شد.

کاهش فقر و نابرابری: اصل پنجم اعلامیه ریو به طور صریح ریشه‌کن کردن فقر را به عنوان شرط اساسی توسعه پایدار در نظر می‌گیرد؛^۴ و آرمان اول اهداف توسعه هزاره^۵ و اهداف اول و دوم توسعه پایدار،^۶ به موضوع فقر و پایان دادن بدان اختصاص دارد. باید در نظر داشت که «توسعه پایدار هدف نیست بلکه حرکت به سمت جهانی با برابری اجتماعی بیشتر و محوریت محیط‌زیستی بیشتر است» (مارتین بلز، ۱۳۹۱) تا از طریق دستیابی و تأمین نیازهای اولیه و اساسی فردی به بهبود و ارتقای زندگی گروهی و نیز بهبود کیفیت زندگی دست یابد. لذا، توجه به برنامه‌ریزی‌ها و همکاری‌های بین‌المللی به منظور کاهش شکاف میان جوامع و میان شهروندان نیز در این راستا قرار می‌گیرد.

برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان: در بسیاری از جوامع، زنان به لحاظ شاخص‌های سلامتی، دسترسی به آموزش، اشتغال، مشارکت و مواردی از این دست در موقعیت پایین‌تری قرار دارند. لذا، برنامه‌های توسعه پایدار باید دربرگیرنده خط‌مشی‌ها و سیاست‌هایی باشد که همه گروه‌ها و اقشار جامعه از جمله زنان را در برگیرد که از مؤثرترین و تأثیرگذارترین گروه‌های اجتماعی در

۱. اصل اول: انسان حقوقی بنیادی نسبت به آزادی، مساوات و شرایط مناسب و زندگی در محیطی که به او اجازه زندگی با وقار و سعادتمندانه را می‌دهد، دارد و مسئولیت حفظ و بهبود محیط‌زیست برای نسل حاضر و نسل‌های آینده را به عهده دارد. از این جهت سیاست‌های مشوق و تداوم‌دهنده اپراتارید، جدایی‌طلبی نژادی، تبعیض، استعمار و دیگر اشکال ظلم و تسلط خارجی محکوم می‌شوند و باید ناپدید گردند.

۲. اصل ۱: انسان، در کانون اهداف توسعه پایدار قرار دارد. انسان‌ها مستحق برخورداری از یک زندگی سالم و خلاق در هماهنگی با طبیعت می‌باشند.
۳. *The Universal Declaration of Human Rights (UDHR)*

۴. اصل ۵: کلیه دولت‌ها و مردم در رابطه با وظیفه‌ی اساسی ریشه‌کن کردن فقر به عنوان شرط اساسی توسعه پایدار، جهت کاهش تفاوت در سطح زندگی و رفع نیازهای اکثریت مردم جهان، باید با یکدیگر همکاری نمایند.

۵. آرمان ۱: از بین بردن فقر شدید و گرسنگی

۶. هدف ۱: پایان دادن به فقر در همه اشکال آن و در همه جا؛ هدف ۲: پایان دادن به گرسنگی، تحقق امنیت غذایی و تغذیه بهتر و توسعه کشاورزی پایدار

مسیر توسعه به شمار می‌روند. اصل بیستم اعلامیه ریو،^۱ آرمان سوم اهداف توسعه هزاره^۲ و هدف پنجم اهداف توسعه پایدار^۳ بر ضرورت توجه به نقش زنان با هدف توانمندسازی تأکید دارند.

گسترش بهداشت و سلامت: اصل نهم اعلامیه ریو،^۴ آرمان‌های چهارم الی ششم اهداف توسعه هزاره^۵ و هدف سوم اهداف توسعه پایدار^۶ بر ضرورت و تضمین ایجاد بسترهای مطلوب درمانی و سلامتی به منظور گسترش حوزه سلامت و مراقبت‌های بهداشتی به منظور ارتقای سلامت عمومی و بهبود شاخص‌های سلامت اشاره دارند.

آموزش همگانی: در حالی که در اصل نوزدهم بیانیه استکهلم^۷ بر آموزش موضوعات زیست‌محیطی تأکید شده است، آرمان دوم اهداف توسعه هزاره^۸ و هدف چهارم اهداف توسعه پایدار^۹ به آموزش همگانی و فراگیر برای همه اشاره دارند.

ضرورت ترویج صلح: صلح پایه‌ای اساسی برای خلق و ایجاد یک جهان بهتر است، همان آرمان و هدفی که توسعه پایدار نیز در پی تحقق آن است. جنگ و احتمال وقوع جنگ و خشونت افزون بر تأثیرگذاری بر ابعاد زیست‌محیطی و اقتصادی، مؤلفه‌های حقوق بشری، انسانی و اجتماعی را مورد تهدید جدی قرار می‌دهد. در اصل بیست و ششم بیانیه اجلاس استکهلم،^{۱۰} اصول بیست و چهارم و بیست و پنجم اعلامیه ریو^{۱۱} و هدف شانزدهم اهداف توسعه پایدار^{۱۲} به طور صریح به این موضوع اشاره و بر اهمیت صلح و لزوم مصون ماندن از خشونت و جنگ تأکید شده است. ضروری می‌نماید اشاره شود که صلح را نیز باید در معنای فراتر از وضعیت جنگی و رزمی، اقدامات خشونت‌آمیز تروریستی و یا عملیات انتحاری در نظر گرفت و بدان توجه داشت که اعمال هرگونه شیوه‌های غیرمسالمت‌آمیز، صلح و تحقق توسعه پایدار را تهدید خواهد کرد. از این‌روست که ترویج فرهنگ صلح باید مدنظر برنامه‌های توسعه قرار گیرد. «فرهنگ صلح شامل ارزش‌ها، طرز تلقی‌ها و رفتارهایی است که بیانگر و الهام‌بخش اعمال افراد و مشارکت متقابل اجتماعی مبتنی بر اصول آزادی، عدالت، دموکراسی، رعایت حقوق همه، دگرپذیری و همبستگی، نفی خشونت، تلاش برای پیشگیری از جنگ و حل مشکلات از طریق گفتگو و مشارکت کامل انسان در فرایند توسعه جوامع است» (صیوری و همکاران، ۱۳۹۱، ص. ۱۷۲)؛ که می‌تواند فرایندهای توسعه را تسریع بخشد یا آن را در مسیر درستی قرار دهد.

مشارکت: اصل دهم و بیست و یکم اعلامیه ریو،^{۱۳} آرمان هشتم اهداف توسعه هزاره^{۱۴} و هدف هفدهم اهداف توسعه پایدار^{۱۵} بر ضرورت و اهمیت تقویت مشارکت اشاره دارد. فراهم آوردن بسترهای مناسب به منظور مشارکت، فرصت‌های مغتنمی را برای تمرین مشارکت سیاسی و اجتماعی شهروندان و نهادینه کردن فرهنگ مشارکت فعالانه و مسئولانه مردم ایجاد می‌کند؛ و می‌تواند چشم‌انداز دستیابی به توسعه پایدار را روشن‌تر و دست‌یافتنی‌تر سازد.

۶-۲- برنامه‌های پنجم و ششم توسعه ایران

۱. اصل ۲۰: زنان نقش حیاتی در زمینه مدیریت و توسعه محیط زیست دارند. از این‌رو مشارکت کامل آنان در نیل به توسعه پایدار ضروری و اساسی است.
۲. آرمان ۳: گسترش و ترویج برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان
۳. هدف ۵: دستیابی به تساوی جنسیتی و توانمندسازی همه زنان و دختران
۴. اصل ۹: دولت‌ها برای تقویت و ایجاد توانمندی‌های درمانی برای توسعه پایدار با ارتقاء دانش علمی از طریق تبادلات علمی و تکنولوژیکی و نیز از طریق ترویج، تطبیق، نشر و انتقال تکنولوژی، از جمله تکنولوژی‌های جدید و نوآور، باید با هم همکاری نمایند.
۵. آرمان ۴: کم کردن مرگ کودکان؛ آرمان ۵: بهبود سلامت مادران؛ و آرمان ۶: مبارزه با ایدز، مالاریا، توبرکلوز و دیگر بیماری‌ها
۶. هدف ۳: تضمین یک زندگی توأم با سلامت و ترویج رفاه برای همه و در تمامی سنین
۷. اصل ۱۹: آموزش درباره موضوعات زیست‌محیطی برای نسل جوان و بزرگسالان با بذل توجه لازم نسبت به افراد مستضعف، برای وسیع‌تر کردن شالوده عقیده‌های روشن‌بینانه و رفتاری مسئولانه، از طرف انسان‌ها، مؤسسات و اجتماعات درباره محافظت و بهبود محیط‌زیست در بعد کامل انسانی آن ضروری است. همچنین لازم است که وسایل ارتباط جمعی از کمک به تخریب محیط‌زیست اجتناب نمایند بلکه بالعکس اطلاعاتی آموزشی درباره نیاز به حمایت و بهبود محیط‌زیست برای توانایی دادن به انسان برای توسعه در هر زمینه، ارائه دهند.
۸. آرمان ۲: دست یافتن به آموزش ابتدایی همگانی
۹. هدف ۴: تضمین آموزش با کیفیت، برابر و فراگیر و ترویج فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر برای همه
۱۰. اصل ۲۶: انسان و محیط‌زیست او باید از اثرات تسلیحات هسته‌ای و تمام وسایل تخریب عمومی دیگر مصون بماند. دولت‌ها باید برای رسیدن به توافقی سریع، از طریق ارگان‌های مناسب بین‌المللی، درباره حذف و نابودی کامل چنین سلاح‌هایی بکوشند
۱۱. اصل ۲۴: جنگ ذاتاً نابودکننده توسعه پایدار است. لذا، دولت‌ها باید در زمان تضادهای مسلحانه به قوانین بین‌المللی مربوط به حفاظت از محیط زیست احترام گذاشته و پس از خاتمه جنگ در صورت لزوم در توسعه بیشتر مشارکت کنند؛ اصل ۲۵: صلح، توسعه و حفاظت از محیط زیست وابسته به یکدیگر و غیرقابل تفکیک می‌باشند.
۱۲. هدف ۱۶: ترویج جوامع صلح‌جو و فراگیر برای توسعه پایدار، برقراری امکان دسترسی به عدالت برای همه و ایجاد مؤسسات مؤثر، پاسخ‌گو و فراگیر در همه سطوح.
۱۳. اصل ۱۰: مسائل مربوط به محیط زیست هنگامی به بهترین نحو حل و فصل می‌شوند که کلیه شهروندان در سطوح مناسب در آن مشارکت داشته باشند. در سطح ملی، هر فرد باید به اطلاعات مربوط به محیط زیست که در اختیار مقامات عمومی می‌باشد از جمله به اطلاعات مربوط به مواد و فعالیت‌های خطرآفرین موجود در جوامع خویش دسترسی داشته و امکان شرکت در فرآیند تصمیم‌گیری را داشته باشد. دولت‌ها، از طریق اشاعه عام اطلاعات مربوط به محیط زیست، باید در ترویج و ارتقاء آگاهی عمومی در این زمینه بکوشند. دسترسی مؤثر به مذاکرات اداری و قضایی، منجمله به تصمیمات اصلاحی متخذه، باید تأمین گردد؛ و اصل ۲۱: خلاقیت، آرمان‌ها و شهادت جوانان باید جهت جلب مشارکت جهانی در نیل به هدف توسعه پایدار و تضمین آینده‌ای بهتر برای همگان بسیج گردد.
۱۴. آرمان ۸: گسترش مشارکت جهانی برای توسعه.
۱۵. هدف ۱۷: تقویت ابزار اجرا و احیای همکاری‌های جهانی برای (تحقق) توسعه پایدار.

برنامه‌های توسعه در تلاش هستند تا بر پایه واقعیت‌های موجود، آینده‌های بدیل مطلوبی را ایجاد کنند. برنامه‌های توسعه در ایران نیز که از جانب دولت وقت تهیه و تنظیم می‌شود و پس از تصویب در مجلس شورای اسلامی قابلیت اجرایی شدن می‌یابد، از تلاش‌های ایران برای حرکت در مسیر توسعه به شمار می‌رود.

مجموعه برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰) مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۳۰ مجلس شورای اسلامی در ۳ بخش چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ و سیاست‌های کلی برنامه پنجم (۲ فصل)؛ قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۹ فصل) و قوانین و مقررات تفیذی و ارجاعی در قانون برنامه پنجم (۲ فصل) و در ۲۳۵ ماده تهیه و تدوین شده است. بخش دوم که شامل ۹ فصل می‌باشد عبارتند از: فصل اول: فرهنگ اسلامی- ایرانی (۱۴ ماده)؛ فصل دوم: علم و فناوری (۹ ماده)؛ فصل سوم: اجتماعی (۲۲ ماده) [فصل اجتماعی از: ماده ۲۴ الی ماده ۴۵] شامل زیرعنوان کلی (۲ ماده)، بخش‌های بیمه‌های اجتماعی (۶ ماده)، سلامت (۶ ماده)، بیمه سلامت (۱ ماده)، حمایتی و توانمندسازی (۲ ماده)، سرمایه اجتماعی، جوانان و خانواده (۳ ماده) و ایثارگران (۲ ماده)؛ فصل چهارم: نظام اداری و مدیریت (۲۳ ماده)؛ فصل پنجم: اقتصادی (۱۰۹ ماده)؛ فصل ششم: توسعه منطقه‌ای (۱۷ ماده)؛ فصل هفتم: دفاعی، سیاسی و امنیتی (۱۶ ماده)؛ فصل هشتم حقوقی قضائی (۲ ماده)؛ و فصل نهم: بودجه و نظارت (۲۳ ماده).

برنامه قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۶-۱۴۰۰) مصوب ۱۳۹۵/۱۲/۱۴ مجلس شورای اسلامی در ۱۲۴ ماده و ۱۲۸ تبصره تهیه و تنظیم شده است که بخش‌های ۲۰گانه آن عبارتند از: ماده ۱: تعاریف و اختصارات؛ ماده ۲: مسائل محوری برنامه؛ و نیز بخش ۱: اقتصاد کلان (۳ ماده)؛ بخش ۲: بودجه و مالیه عمومی (۴ ماده)؛ بخش ۳: نظام پولی و بانکی و تأمین منابع مالی (۱۱ ماده)؛ بخش ۴: محیط کسب‌وکار، خصوصی‌سازی و مناطق آزاد (۵ ماده)؛ بخش ۵: توازن منطقه‌ای، توسعه روستایی و توانمندسازی اقشار آسیب‌پذیر (۲ ماده)؛ بخش ۶: نظام اداری، شفافیت و مبارزه با فساد (۳ ماده)؛ بخش ۷: کشاورزی (۴ ماده)؛ بخش ۸: آب (۳ ماده)؛ بخش ۹: محیط زیست و منابع طبیعی (۱ ماده)؛ بخش ۱۰: انرژی، صنعت و معدن (۱۲ ماده)؛ بخش ۱۱: حمل و نقل و مسکن (۱۲ ماده)؛ بخش ۱۲: آموزش عمومی، آموزش عالی و علم و فناوری (۴ ماده)؛ بخش ۱۳: ارتباطات و فناوری اطلاعات (۳ ماده)؛ بخش ۱۴: سلامت، بیمه، سلامت و زنان و خانواده (۷ ماده)؛ بخش ۱۵: بیمه اجتماعی، امور حمایتی و آسیب‌های اجتماعی (۹ ماده)؛ بخش ۱۶: امور ایثارگران (۶ ماده)؛ بخش ۱۷: فرهنگ، هنر و ورزش (۱۳ ماده)؛ بخش ۱۸: سیاسی، دفاعی و امنیتی (۸ ماده)؛ بخش ۱۹: حقوقی و قضائی (۷ ماده)؛ بخش ۲۰: نظارت و ارزشیابی برنامه (۵ ماده)؛ و قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور در ۷۳ ماده ارائه شده است (قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۶).

در ابتدا و پیش از پرداختن به بعد اجتماعی در برنامه‌های توسعه ذکر چند مورد ضروری می‌نماید: اول آنکه، همانگونه که در عنوان برنامه نیز آمده است، از اصطلاح «پایداری» اجتناب شده است و به نظر می‌رسد توسعه بدون پایداری مدنظر بوده است. این بدان معناست که اگرچه در برنامه‌ها گاهی به طور پراکنده به مؤلفه‌های توسعه پایدار اشاره شده است ولیکن درک صحیح و ساختارمندی از مفهوم و اهداف توسعه پایدار وجود ندارد. از این‌روست که شاید توجه ناموزون به ابعاد ۳گانه توسعه پایدار (محیط‌زیستی، اقتصادی و اجتماعی) در برنامه‌ها بدین سبب باشد. «در این برنامه‌ها اصل بر توسعه اقتصادی بوده است» (واعظزاده و همکاران، ۱۳۹۴، ص. ۴۷)، به طوریکه برای نمونه ۱۰۹ ماده از ۲۳۵ ماده قانون پنجم توسعه به فصل اقتصادی اختصاص یافته است و در مقابل محیط زیست یکی از بخش‌های فصل توسعه منطقه‌ای با ۷ ماده است. در برنامه ششم نیز اگرچه به طور مجزا به محیط زیست و منابع طبیعی (بخش ۹) و نیز مباحث سلامت، بیمه، سلامت و زنان و خانواده (بخش ۱۴) و بیمه اجتماعی، امور حمایتی و آسیب‌های اجتماعی (بخش ۱۵) پرداخته شده است ولیکن همچنان محور و اساس بر اقتصاد است. درحالیکه باید در نظر داشت «معیارهای اقتصادی تنها نماینده بخشی از نیازهای نسل بشر است» (مکی و همکاران، ۱۳۹۷، ص. ۲۱) و کم‌توجهی یا بی‌توجهی به ابعاد مختلف توسعه پایدار، پایه‌های استقرار و حرکت در مسیر توسعه را نامتوازن و دستیابی بدان را با دشواری‌های فراوانی روبرو می‌سازد.

دیگر آنکه، توسعه پایدار «امروزه مقارن با مفهوم توسعه عادلانه و همه‌جانبه و متوازن است» (توتونچیان، ۱۳۹۵) و ضروری است که در فرایند و برنامه‌های توسعه به عدالت و برابری توجه ویژه‌ای مبذول گردد که در غیر این صورت فرایند توسعه نامتوازن و دستیابی بدان ناممکن می‌شود. این درحالیست که با اذعان به توسعه نامتوازن مناطق کشور حسب مناطق جغرافیایی، بر عدالت و برابری مناطق به لحاظ دسترسی به زیرساخت‌ها یا توسعه مناطق توجه نشده است.

۱. برای نمونه در برنامه ششم توسعه، در بند پ ماده ۴۸ (بخش ۱۰: انرژی، صنعت و معدن) آمده است: «پ- از طریق سازمان انرژی اتمی ایران در راستای ارتقای آگاهی‌ها و پذیرش اجتماعی و مشارکت‌افزایی در دستیابی به توسعه پایدار برق هسته‌ای و هماهنگی اجتماعی خود اقدامات لازم را طبق قوانین و مقررات مربوطه در این خصوص، با اولویت مناطق دارای ساختگاه هسته‌ای به‌عمل آورد». و یا مورد اول از بند پ ماده ۵۳ (بخش ۱۱: حمل و نقل و مسکن): «پیش‌بینی و مدیریت نیازمندی‌های توسعه ناوگان هوایی کشور با رعایت خطمشی‌های مبتنی بر توسعه پایدار»

همچنین باید در نظر داشت برنامه‌ها باید در این مرحله، قابلیت اجرا داشته باشند و عملیاتی باشند (سطح کنش‌های چارچوب توسعه پایدار استراتژیک) در حالیکه توجه به این امر کمتر به چشم می‌خورد.^۱ در ادامه، به مهم‌ترین مفاهیم اشاره شده در بخش نظری، و به طور ویژه پایداری اجتماعی، با توجه به برنامه‌های توسعه ایران پرداخته خواهد شد:

مفهوم سرمایه اجتماعی: در برنامه پنجم توسعه و در فصل سوم اجتماعی به عنوان سرمایه اجتماعی اشاره شده است (سرمایه اجتماعی، جوانان و خانواده) ولیکن در مواد ذیل آن بدان پرداخته نشده و هیچ استراتژی و سازوکار مشخصی در این خصوص اتخاذ نگردیده است.

در برنامه توسعه ششم در ۲ مورد (بند الف ماده ۷۷ در بخش ۱۵-بیمه اجتماعی، امور حمایتی و آسیب‌های اجتماعی) و مورد سوم از محور الف ماده ۸۰ بخش ۱۵ (بیمه اجتماعی، امور حمایتی و آسیب‌های اجتماعی) به این مفهوم اشاره شده ولیکن در یک مورد به جمعیت هلال احمر این مأموریت را داده که اقداماتی در راستای ارتقای سرمایه اجتماعی انجام دهد؛^۲ و در مورد دیگر به «تدوین سالانه اطلس آسیب‌های اجتماعی و سرمایه اجتماعی بر اساس شاخص‌های سلامت اجتماعی در کشور توسط سازمان امور اجتماعی و ارائه آن به مراجع ذی‌ربط»^۳ (ماده ۸۰ قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۶). اشاره شده است که افزون بر وجود ابهامات بسیار، تهیه و تدوین آن نیز به آینده واگذار شده است.

مفهوم اعتماد: همانگونه که در بخش نظری اشاره شد، اعتماد بین مردم و مؤسسات عمومی/ نهادهای دولتی نظیر دادگاه‌ها، مدارس، حکومت‌ها و بیمارستان‌ها دارای اهمیت بسیار و برای سلامت جامعه و ارتقای سرمایه اجتماعی ضروری است. به بیانی دیگر، در چارچوب توسعه پایدار استراتژیک فرسایش سرمایه اجتماعی و کاهش اعتماد اجتماعی با چگونگی عملکرد مؤسسات عمومی و نهادهای دولتی همبسته است. لذا در برنامه‌ریزی‌ها باید در خصوص ارتقای بهبود عملکرد و کیفیت خدمات این نهادها توجه ویژه‌ای نشان داد. ضمن آنکه، از این طریق می‌توان بر دیگر ابعاد پایداری نیز تأثیر گذاشت. آنچنان که وقتی «اعتماد» بین مردم به عنوان یک شاخص پایداری اجتماعی وجود نداشته باشد، هیچگونه مشارکتی صورت نمی‌گیرد تا از طریق این مشارکت همگانی بتوان بخشی از مشکلات و مسائل زیست محیطی یا اقتصادی را مرتفع کرد. این در حالیست که در برنامه ششم یک‌بار و در ماده ۱۱۶، بخش ۱۹- حقوقی و قضائی بدان اشاره شده است^۴ که در آن فقط بر ضرورت پیش‌بینی تمهیداتی بدین منظور تأکید شده است و از اصلاح تشکیلات و ساختار سازمانی غفلت کرده است.

نیازهای انسانی: اگرچه همان‌طور که در مطالعات قبلی نیز به درستی بدان اشاره شده است «رویکرد غالب در برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه ایران، رویکرد نیازهای اساسی است که نیازهایی مانند اشتغال، بهداشت، مسکن و تغذیه را دربرمی‌گیرد» (واعظزاده و همکاران، ۱۳۹۴: ص. ۴۵)؛ ولیکن تحلیل این برنامه‌ها مطابق با مقوله‌های ۹گانه مکس- نیف، نشان‌دهنده آن است که، صرفاً به چند نیاز اساسی پرداخته شده و از دیگر نیازهای انسانی غفلت شده است و با در معنایی محدود و متفاوت به کار رفته است. برای نمونه در برنامه پنجم توسعه، به مفهوم مشارکت در بندهای ک و ل ماده ۱۸ (فصل دوم - علم و فناوری)،^۵ ماده ۱۷۱

۱. آنچنان که در برخی موارد آیین‌نامه‌های اجرایی موارد ذکر شده به وزارتخانه یا سازمان ذیربط و تصویب هیأت وزیران موکول شده است. برای نمونه در بند ز ماده ۳۸ بخش ۹ (محیط زیست و منابع طبیعی) برنامه ششم توسعه آمده است: «ز- اجرای برنامه مدیریت سبز شامل مدیریت مصرف انرژی، آب، مواد اولیه، تجهیزات و کاغذ، کاهش مواد جامد زائد و بازیافت آنها در ساختمان‌ها و وسائط نقلیه، در کلیه دستگاه‌های اجرائی و مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی در چهارچوب قوانین مربوطه

تصره- آیین‌نامه اجرائی این بند به پیشنهاد مشترک وزارت نیرو و سازمان حفاظت محیط زیست به تصویب هیأت وزیران می‌رسد». و یا ماده ۸۰- «دولت مکلف است طبق قوانین مربوطه و مصوبات شورای اجتماعی به منظور پیشگیری و کاهش آسیب‌های اجتماعی، نسبت به تهیه طرح جامع کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی با اولویت اعتیاد، طلاق، حاشیه‌نشینی، کودکان کار و مفاسد اخلاقی مشتمل بر محورهای ذیل اقدام کند به‌گونه‌ای که آسیب‌های اجتماعی در انتهای برنامه به بیست و پنج درصد (۲۵٪) میزان کنونی کاهش یابد».

۲. «جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران به منظور افزایش ضریب ایمنی و تاب‌آوری جامعه، پیشگیری و کاهش خطرات ناشی از حوادث و سوانح، ارائه خدمات بشردوستانه در قالب قوانین بودجه سنواتی اقدامات ذیل را انجام دهد:

الف- کمک به حفظ و ارتقای سرمایه اجتماعی با استفاده از توان و ظرفیت‌های مردمی و افزایش مشارکت‌های اجتماعی مردم» (قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۶)

۳. «دولت مکلف است طبق قوانین مربوطه و مصوبات شورای اجتماعی به منظور پیشگیری و کاهش آسیب‌های اجتماعی، نسبت به تهیه طرح جامع کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی با اولویت اعتیاد، طلاق، حاشیه‌نشینی، کودکان کار و مفاسد اخلاقی مشتمل بر محورهای ذیل اقدام کند به‌گونه‌ای که آسیب‌های اجتماعی در انتهای برنامه به بیست و پنج درصد (۲۵٪) میزان کنونی کاهش یابد:

الف- پیشگیری
تدوین سالانه اطلس آسیب‌های اجتماعی و سرمایه اجتماعی بر اساس شاخص‌های سلامت اجتماعی در کشور توسط سازمان امور اجتماعی و ارائه آن به مراجع ذی‌ربط» (قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۶).

۴. «الف- در راستای کاهش مراجعه مردم به مراجع قضائی و تسریع در حل و فصل اختلافات، قوه قضائیه مکلف است با همکاری دولت به منظور افزایش حل و فصل اختلافات از طریق داوری، ایجاد و توسعه نهادهای داوری و اعتمادسازی و ایجاد اقبال عمومی و حمایت از آنها، تا پایان سال اول اجرای قانون برنامه تمهیدات لازم را پیش‌بینی نماید» (ماده ۱۱۶ قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۶).

۵. «ک - ایجاد سازوکارهای مناسب برای افزایش سهم مشارکت انجمن‌های علمی، نخبگان و استعدادهای برتر در تصمیم‌سازی‌ها و مدیریت کشور

(فصل پنجم: اقتصادی، بخش مسکن)^۱، مورد هـ ماده ۱۹۴ (فصل ششم: توسعه منطقه‌ای، بخش توسعه روستایی)^۲ و ماده ۲۰۵ (فصل هفتم: دفاعی، سیاسی و امنیتی بخش سیاسی، امنیتی)^۳ اشاره شده است ولیکن همانگونه که عیان است در معنایی غیر از آنچه در بخش‌های نظری از آن مراد بوده است. باید در نظر داشت، طبق چهارچوب توسعه پایدار استراتژیک (در سطح موفقیت چارچوب) اگر مردم دریابند که شرایط درون سیستم اجتماعی سبب عدم تأمین نیازهای اساسی آنها شده و یا آن را تضعیف کرده، منجر به فرسایش اعتماد و سرمایه اجتماعی در جامعه می‌شود؛ و این مفاهیم همچون زنجیره‌ای به یکدیگر متصل هستند.

مفهوم همدلی: همانطور که در سطح استراتژیک چارچوب توسعه پایدار استراتژیک بدان اشاره شد، قاعده طلایی در پایداری اجتماعی یک دستورالعمل تکمیلی و راهبردی برای عمل در این خصوص می‌باشد که بر پایه همدلی قرار دارد. متأسفانه در هیچکدام از برنامه‌ها بدان اشاره‌ای نشده و راهبردی در این خصوص اتخاذ نشده است. همدلی که به معنای توانایی قرار دادن خویشتن به جای دیگری است، می‌تواند به میزان زیادی مشکلات و مسائلی که نشأت گرفته از عدم فهم و درک متقابل است را مرتفع سازد و منجر به بهبود در روابط و تعاملات با دیگر افراد شود. از این مفهوم می‌توان برای تأکید بر احترام به فرهنگ‌های مختلف و اجتناب از گفتمان خشونت و تنازعات نشأت گرفته از تفکر و عمل برتری قومی، نژادی و مذهبی و در نهایت، کاهش تضادها و تنش‌های احتمالی و بالقوه در جامعه بهره گرفت. از آموزش و آشنایی شهروندان با این مفاهیم در راستای حاکم کردن تفکر انسان‌دوستانه به افراد، فرهنگ مدارا و یادگیری برای درک و فهم انسان‌ها در رعایت حقوق خود و دیگران و دوری از تفکر برتری نژادی و قومی و مذهبی و درک صحیح غفلت شده است.

نتیجه‌گیری

همانگونه که پیش‌تر نیز ذکر شد، نقطه محوری پایداری اجتماعی ارتباط افراد با یکدیگر برای داشتن زندگی مسالمت‌آمیز با یکدیگر، تأمین نیازهای اساسی فردی و بهبود و ارتقای زندگی گروهی است. با توصیف وضعیت موجود در ایران می‌توان گفت، جامعه در خصوص جنبه‌های ۳گانه توسعه پایدار دچار چالش‌های اساسی است؛ ولیکن، به نظر می‌رسد آنچه که بیش از مسائل و بحران‌های اقتصادی و زیست‌محیطی در جامعه حائز اهمیت می‌باشد، توجه به بعد اجتماعی توسعه پایدار یا همان پایداری اجتماعی است. نمی‌توان انکار کرد که ایران نیز به سان دیگر کشورهای خاورمیانه، اسیر و درگیر در تنازعات قومی، نژادی و مذهبی، پرخاشگری و خشونت و عدم مدارا و همدلی در جامعه است و نیازمند کوشش‌هایی آگاهانه از طریق احترام به اختلافات ارزشی، اعتقادی و فرهنگی در جامعه و مشارکت فعالانه برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار می‌باشند. پرداختن به این امر که روابط افراد با یکدیگر و در اجتماع چگونه تعریف و عمل می‌شود، و تا چه اندازه به حفظ و ثبات مؤلفه‌های اجتماعی در روابط بین افراد مبتنی بر اصول حقوق بشری و انسانی توجه می‌شود، در راستای پایداری اجتماعی و از وظایف و تعهدات دولت‌هاست؛ که در اسناد مرتبط با توسعه پایدار نیز عامدانه و آگاهانه به نقش دولت‌ها در تحقق اهداف توسعه پایدار اشاره شده است. از این‌روست که اتخاذ موضع انفعالی یا طرد منشورها و چارچوب‌های نظری متعدد در حوزه توسعه پایدار نمی‌تواند راهگشا باشد و باید افزون بر اتخاذ موضع فعال در این عرصه، از طریق آشنایی و شناخت ابعاد و مؤلفه‌های توسعه پایدار در برنامه‌های توسعه توجه ویژه‌ای بدان‌ها مبذول داشت. اما آنچه از برنامه‌های پنجم و ششم توسعه ایران در چارچوب توسعه پایدار استراتژیک بر می‌آید آن است که این برنامه‌ها به ویژه در خصوص پایداری اجتماعی دچار کاستی‌های اساسی می‌باشند؛ در یک نگاه کلی و با ربط منطقی و پیوستگی و تناسب ابعاد پرداخته نشده است؛ در مرحله تعریف از موفقیت و دستیابی به اهداف مورد نظر باقی مانده‌اند و کمتر قابلیت اجرایی و عملیاتی شدن دارند؛ و حتی به الزامات ابتدایی برنامه همچون نگاه کلی و ساختارمند، سازوکار روشن، اولویت‌دهی به برنامه‌ها و زمان‌دهی مناسب و تناسب با بازگشت سرمایه توجهی نشده است. ضمن آنکه با دید و نگاه از بالا به پایین، از ضرورت و اهمیت نقش‌آفرینی شهروندان غفلت شده است.

۱ - ایجاد سازوکار لازم برای مشارکت انجمن‌های علمی، نخبگان و دانشمندان کشور در همایش‌ها، کنفرانس‌ها و مجامع علمی و پژوهشی بین‌المللی و برتر جهان و بهره‌گیری از توانمندی‌های دانشمندان و نخبگان ایرانی در جهان و فراهم کردن فرصت‌های مطالعاتی مناسب در داخل و خارج کشور» (ماده ۱۸ از فصل دوم - علم و فناوری، مجموعه برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۹)

۲ - «الف - شورای عالی شهرسازی و معماری ایران مکلف است نسبت به احصاء مناطق ویژه نیازمند بهسازی و نوسازی در بافت‌های فرسوده و دست‌بندی طرح‌های واقع در این مناطق، با اولویت:

۱- طرح‌هایی که به دلیل وجود منافع عمومی، اجرای به موقع آنها ضروری است.

۲- طرح‌هایی که از طریق تدوین ضوابط و مقررات و مشارکت مردم و حمایت دولت، شهرداری‌ها و دهیاری‌ها به مرور زمان قابل انجام است، اقدام نماید» (ماده ۱۷۱، مجموعه برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۹).

۳ - هـ - بهسازی، نوسازی، بازسازی و ایمن‌سازی ساختار کالبدی محیط و مسکن روستایی مبتنی بر الگوی معماری اسلامی - ایرانی با مشارکت مردم، دولت و نهادهای عمومی (ماده ۱۹۴، مجموعه برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۹).

۴ - «ج - ایجاد و گسترش زیرساخت‌ها و سازوکارهای لازم برای مشارکت هرچه بیشتر مردم در راستای تقویت و تحکیم امنیت پایدار کشور (ماده ۲۰۵، مجموعه برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۹).

به نظر می‌رسد جامعه ایرانی در گذر به پایداری، راهی پرفراز و نشیب در پیش‌روی دارد و این در گام اول منوط به تغییر در نحوه درک و فهم و تفسیر انسان از روابط، تعاملات و فرایندهای انسان با طبیعت و نیز با یکدیگر است تا از طریق فراهم آوردن بسترهای مطلوب و برنامه‌ریزی‌های مناسب، جامعه را به جای بهتری برای زندگی و مکانی مملو از برابری و عدالت، صلح و مدارا و احترام به تنوع فرهنگی، نژادی و مذهبی تبدیل کند.

منابع

۱. توتونچیان، علیرضا (۱۳۹۵). از اهداف توسعه هزاره تا اهداف توسعه پایدار. اداره نشر وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران.
۲. تیغ‌بخش، سمیرا؛ زهره سعادت‌مند و نرگس کشتی‌آرای (۱۳۹۶). طراحی برنامه درسی مبتنی بر آموزش صلح در دوره ابتدایی، یک مطالعه کیفی. فصلنامه علمی- پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، سال ۸، شماره ۴، پیاپی ۳. صص. ۲۳۹-۲۷۰.
۳. رفیعی، محمد؛ مهسا جهانگیری‌راد، فاطمه صوفی کریمی (۱۳۹۸). تجزیه و تحلیل شاخص‌های توسعه پایدار ایران در بخش‌های جمعیت و بهداشت. شریه مهندسی بهداشت محیط، سال ۶ شماره ۳. صص. ۲۸۰-۲۶۵.
۴. سلطانی‌پور، فرزانه و بهزاد دماری (۱۳۹۵). وضعیت توسعه پایدار در ایران. مجله دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی، سال ۱۴، شماره ۴ (پیاپی ۵۶)، صص. ۱۴-۱.
۵. قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰-۱۳۹۶) و قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور (۱۳۹۶). انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
۶. کاظمی‌آذر، شهریار و پانته‌آ سلطان‌زاده (۱۳۹۷). فناوری نانو: رابرد ایران در تکاپوی توسعه پایدار و چالش‌های پیش‌رو. دنیای نانو، سال ۱۴، شماره ۵۲، صص. ۴۸-۵۸.
۷. مارتین بلز، فرانک؛ کم پی‌تی؛ محمدرضا کریمی علویجه و طاهره خارستانی (۱۳۹۱). نقش بازاریابی در پایداری و مسئولیت‌پذیری سازمان. اصفهان: آسمان‌نگار.
۸. مجموعه برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۹). معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور.
۹. مکی، تکتیم؛ سمیه سادات علویان پطرودی، مرضیه اسدی آقبلاغی، هلن اقصایی، سید حسین هاشمی (۱۳۹۷). مقایسه رویکردهای توسعه پایدار در ایران و سایر کشورها. محیط‌زیست و توسعه، سال ۹، شماره ۱۷، صص. ۱۷-۲۴.
۱۰. واعظ‌زاده، ساجده؛ اسداله نقدی و علی ایاسه (۱۳۹۴). مؤلفه‌های پایداری اجتماعی در برنامه‌های توسعه ایران. مطالعات توسعه اجتماعی ایران. دوره ۷، شماره ۲. صص. ۴۵-۵۹.
11. Colantonio, Andrea (2007) Social sustainability: an exploratory analysis of its definition, assessment methods metrics and tools. EIBURS Working Paper Series (2007/01). Oxford Brooks University, Oxford Institute for Sustainable Development (OISD) - International Land Markets Group, Oxford, UK.
12. Egmond, N.D. Van, H.J.M. de Varies (2011). Sustainability: The search for the integral worldview. Futures 43: 853-867.
13. Robèrt, Karl-Henrik (2000). Tools and concepts for sustainable development, how do they relate to a general framework for sustainable development, and to each other? Journal of Cleaner Production 8, 3: 243- 254.
14. Lubin, David A. and Daniel C. Esty (2010). The Sustainability Imperative. The Big Idea. Harvard Business Review. (May 2010): 1-9.
15. Robèrt, Karl-Henrik, Goran Broman, David Waldron, henrik Ny, Sophie Byggeth, David Cook, Lena Johansson, Jonas Oldmark, George Basile, Hordur Haraldsson, Jamie MacDonald, Brendan Moore, Tamara Connell, and Merlina Missimer (2010). Strategic Leadership towards Sustainability. Nordic Swan Labeled papers, Karlskrona, Sweden.
16. Robèrt, Karl-Henrik (2010). Unifying Framework for Strategic Sustainable Development-FSSD - Cambridge in February 2010.
17. Holmberg, J., K.-H. Robèrt, and K.-E. Eriksson (1996). Socio-ecological principles for sustainability. In Getting Down to Earth — Practical Applications of Ecological Economics, International Society of Ecological Economics, edited by R. Costanza, et al. Washington DC, USA.

18. The World Commission on Environment and Development (WCED) (1987). Our Common Future. United Nations, the Oxford University Press.
19. Ny, Henrik, P. MacDonald Jamie, Göran Broman, Ryoichi Yamamoto, and Karl-Henrik Robert (2006). Sustainability constraints as system boundaries: An approach to making life-cycle management strategic. *Journal of Industrial Ecology* 10, no. 1-2: 61-77.

